

حرف اول

# اندیشه و انصاف هنر گفتمان اسلام ناب

مدیرمسئول

«اسلام را از طریق منابع اصیل و مأخذ دست اول آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن آشنا شوید.»

امام خامنه‌ای (دام ظلّه العالی)

۹۳/۱۱/۱

اسمیت استاد راهنمای رساله دکتری اینجانب، از من درخواست کرد تا یک نسخه از ترجمه قرآن را در اختیارش قرار دهم. در اجابت به این درخواست، یک نسخه ترجمه انگلیسی قرآن را به استاد هدیه دادم. ایشان از آن پس بارها اظهار می‌داشت شب‌ها با همسر و فرزندانم قرآن شما را مرور می‌کنیم و از دیدگاه‌ها و آموزه‌های آن لذت می‌بریم. همین استاد بار دیگر درخواست دیگری را مطرح کرد. ایشان در آن دوره در میان دروسی که به او واگذار شده بود تدریس یک درس سه واحدی با موضوع «فرهنگ و ارزش‌ها» را در مقطع ارشد علوم تربیتی بر عهده داشت. برنامه درسی او این بود که مجموعه‌ای از ارزش‌های مورد نظر ادیان و مذاهب گوناگون را تجزیه و تحلیل کرده، ارائه دهد. استاد خودش مسیحی بود و با فرهنگ و ارزش‌های مسیحی آشنا بود. از یکی از دانشجویان یهودی

اسلام ناب محمدی ﷺ آراسته‌تر و پیراسته‌تر از آن است تا نیاز به آراستن و پیراستن آن باشد. زیبایی‌های قابل درک و فهم عالی‌ترین سند اصالت و رسمیت اسلام یعنی قرآن آن قدر فراوان است که برای هر انسان اندیشه‌ورز و منصفی قابل درک می‌باشد. فرمایش امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام گواه این مدعاست که فرمود: «مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بَرِيَّةٌ أَوْ نُقْصَانٌ زِيَادَةٌ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٌ مِنْ عَمَى»؛ کسی همنشین قرآن نگشت مگر اینکه یک چیز بر او افزوده شد و یا یک چیز از او کاسته گردید؛ بر هدایتش افزوده شد و از کوری و ضلالتش کم گشت.

چه بسا بیان خاطره‌ها به دریافت فهم و درک بهتر مدعا کمک کند. در سال‌های اقامت و تحصیل در دانشگاه مک‌گیل کانادا، روزی دکتر دیوید



که خوردنشان را مغتنم می‌داند، چرا که آنان یا در دینداری با تو برادرند و یا در آفرینش با تو برابر. استاد و دانشجویان همه مجذوب این فراز از نامه حضرت به مالک اشتر شدند و به احترام آن، دست مرتبی نثار این سخن کردند. دیگر بار در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷) در یک نشست علمی در دانشکده تعلیم و تربیت، آنگاه که بنا بر نقل، به داستان مادری اشاره شد که با فرزند خردسالش به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب گردید تا آن حضرت فرزند او را از زیاده روی در خوردن خرما منع فرماید، آن حضرت این امر را به فردای آن روز موکول فرمود و وقتی مادر سؤال کرد که چرا دیروز فرزندم را از زیاده خرما خوردن منع نکردید؟ آن بزرگوار فرمود: زیرا دیروز خودم خرما خورده بودم. من در آن نشست به جای نام پیامبر، از عنوان یک مربی بزرگ استفاده کردم. گروه حاضر که در جمعشان پروفیسور لولار رییس دپارتمان «فرهنگ و ارزش‌ها» و جمعی از استادان برجسته رشته علوم تربیتی نیز شرکت داشتند به این داستان واکنش بسیار مثبتی نشان دادند و به تحسین آن مربی پرداختند. پس از آن از من خواستند این مربی بزرگ را معرفی کنم که گفتم ایشان پیامبر اسلام بودند.

به بیانی که گذشت، با توجه به چنین زمینه‌هایی است که مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) جوانان آمریکا و اروپا را به مطالعه اسلام عزیز با مراجعه به متون اصلی آن، یعنی قرآن و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرا می‌خواند. مسلماً، چنانچه جوامع غربی و به ویژه جوانان غربی فرصت مراجعه به متون اصیل اسلام از جمله قرآن و سیره معصومین را بیابند و با حوصله و از روی اندیشه و انصاف، و به دور از جنجال‌های اسلام ستیزانه رسانه‌های غربی به مطالعه و بررسی اندیشه‌های اسلام ناب پردازند، خیلی زود به حقانیت اسلام پی خواهند برد. این واقعیتی انکار ناپذیر است که نا آشنایان با اسلام ناب با مراجعه مستقیم به قرآن و زندگی نامه پیامبر و اهل بیت صلی الله علیه و آله می‌توانند به اصالت و حقانیت این دین مقدس الهی آشنا شوند و خویشتر را از تیررس سهمگین حملات اسلام هراسی و اسلام ستیزی رسانه‌های غربی برهانند. نامه مقام معظم رهبری خطاب به جوانان غربی، اندیشه‌ورزان فرهنگ پویا را بر آن داشت تا این شماره از نشریه را به تبیین و بررسی جوانمی از این نامه گرانمایه و تأثیر گذار اختصاص دهند. امید است مقبول درگاه احدیت قرار گیرد.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

خود درخواست کرده بود از فرهنگ و ارزش‌های یهودی برایش بنویسد تا در کلاس درس ارائه دهد. او از من نیز درخواست کرد تا در صورت امکان ارزش‌های قرآنی را به صورت طبقه‌بندی شده برای درس مزبور تهیه کنم. من ابتدا ارزش‌های قرآنی را در حد چهار صفحه، فهرست‌وار در ده رتبه بر اساس فهم خود از قرآن طبقه‌بندی کردم و تحویل استاد دادم تا نظرش را جویا شوم. پس از دو روز او با خوشحالی اظهار داشت که مطالب قرآنی خیلی برایش جالب بود، از این رو جویای تفصیل مطالب شد. طی دو هفته به روال همان فهرست، مقاله‌ای ۳۲ صفحه‌ای تدوین کردم و تحویل استاد دادم. وی در پایان دوره اظهار داشت که آن مقاله قرآنی را در کلاس درس ارائه داده است. وی ادامه داد که در قرآن شما مطالب بسیار زیبا و جذابی وجود دارد که در کمتر منبع دینی می‌توان نظیر آن را مشاهده نمود. علاوه بر قرآن، سیره و خلق بسیار شایسته و زیبایی حضرت ختمی مرتبت؛ محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اوصیای ایشان علیهم السلام نیز به همین سادگی برای هر کسی که به دیده انصاف در سیره آن بزرگواران اندیشه کند، قابل درک و فهم است. هستند بسیاری از تازه مسلمانان در غرب و یا هر کجای جهان که تنها از طریق فهم زیبایی‌های قرآن و سیره و اخلاق و منش و گفتار معصومین علیهم السلام به اسلام ناب گرویده‌اند و یا دست کم با حقیقت و جوهر اسلام ناب از این طریق آشنا گشته، در مقام پاسداشت آن ادای احترام نموده‌اند و نسبت به آموزه‌های متعالی و ارزشمند آن ابراز علاقه کرده‌اند. گاهی می‌شد که در نشست‌های علمی در جمع استادان و دانشجویان دانشگاه‌های غربی، بدون ذکر نام معصومین علیهم السلام به گوشه‌ای از منش و رفتار و یا به فرازی از گفتار آن بزرگواران اشاره می‌شد و شنوندگان را به تمجید و ستایش صاحبانش وامی‌داشت. مخاطبان معمولاً می‌پرسیدند صاحب این منش و یا گوینده این سخن چه کسی است؟ وقتی در مقام پاسخ نام پیامبر اسلام و یا ائمه علیهم السلام به میان می‌آمد، شنوندگان برای آن عزیزان ارزش و احترام ویژه‌ای قابل می‌شدند. اینجانب دو بار شاهد چنین واکنش‌هایی از جانب مخاطبان بودم؛ یک بار در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) در جلسه درس دوره دکتری در دانشگاه مک‌گیل، به مناسبت بحث در خصوص «اسلام و ملی‌گرایی»، به فرمایش مولی امیر المؤمنین علیه السلام اشاره کردم که در نامه خود خطاب به مالک اشتر فرموده اند: «و أشعُرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِّمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحَقُّ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»؛ قلب خود را نسبت به مردم سرشار از مهربانی و محبت کن و با آنان از راه لطف و صفا برخورد نما و بر آنان همچون حیوان درنده‌ای نباش

